



Economic Management in the Framework of Resistive Economy Relying on the Prophetic Biography (Sireh) of Prophet Joseph (PBUH) from the Perspective of Sunni and Shi'ite Commentators

Gholamhossein A'rabi¹

Sa'i'id Farahani Fard²

Seyed Mohammad Reza Mousavi Shalheh³

Received: 27/2/2018 | Accepted: 20/9/2018

Abstract

One of the important strategies for human societies dealing with social-economic crises is "resistive economy" which has been discussed from different perspectives. Some theoretical foundations in this method of economic management has been eloquently depicted in the Noble Qur'an, especially in Surah Yusuf. Using descriptive method and with reference to Sunni and Shi'ite exegeses on the relative verses in Surah Yusuf and other chapters in the Quran, the present study aims to analyze the management strategy of Prophet Joseph (PBUH) in this regard. The objective of this study is to present a role model for management based on the divine commands in order to achieve an economy with characteristics that can be called "resistive economy". The results of this research showed that resistive economy in Islam relies on the absolute sovereignty of God as well as people's cooperation. Solving economic crises requires meritocracy in order to rigorously choose righteous individuals based on accurate planning, saving, and appropriate allocation of resources. Therefore, the well-chosen individuals can manage the government and community and execute resistive economy relying on justice, impartiality, sincere cooperation, and with special attention to public assets and Beyt ol-Mal.

Keywords: Resistive Economy, The Noble Qur'an, Prophet Joseph (PBUH), Surah Yusuf, Sunni and Shi'ite Exegeses

¹ Associate Professor, Department of the Qur'anic Science and Hadith, University of Qom | golamhosein.arabi@gmail.com

² Associate Professor, Department of Islamic Economy, University of Qom | saeed.farahani.fard@gmail.com

³ Ph.D. Student in the Qur'anic Sciences and Hadith, University of Qom (Corresponding Author)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مدیریت اقتصادی در چارچوب اقتصاد مقاومتی با تکیه بر سیره حضرت یوسف (ع) (از نگاه مفسران فریقین)

دکتر غلامحسین اعرابی^۱

دکتر سعید فراهانی فرد^۲

سیدمحمد رضا موسوی شلحه^۳

تاریخ ارسال: ۹۶/۱۲/۰۸ | تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۲۹

چکیده

از راهکارهای مهم پیش روی جوامع بشری در رویارویی با بحران‌های اجتماعی-اقتصادی، «اقتصاد مقاومتی» است که از ابعاد گوناگون مورد بحث واقع شده است. برخی بنیان‌های نظری این شیوه مدیریت اقتصادی در قرآن کریم؛ به ویژه در سوره یوسف، به زیبایی ترسیم شده است. نوشتار پیش رو با روش توصیفی و با استناد به تفاسیر فریقین ذیل آیات سوره یوسف و آیات مرتبط دیگر، به واکاوی راهبرد مدیریتی حضرت یوسف (ع) پرداخته است تا بر این اساس شیوه‌ای از مدیریت بر مبنای دستورات الهی برای رسیدن به اقتصادی با شاخصه‌هایی که بتوان از آن با عنوان «اقتصاد مقاومتی» تعبیر کرد، الگوسازی شود. از رهگذر این کاوش به دست آمد که، اقتصاد مقاومتی در اسلام بر مبنای حاکمیت مطلق خداوند و حضور مردم در صحنه استوار است. حل بحران‌های اقتصادی نیازمند انسان‌های شایسته‌ای است که با گزینش سخت گیرانه انتخاب شده‌اند و بر پایه برنامه‌ریزی دقیق و صرفه‌جویی و تخصیص سنجیده منابع و با عنایت به اصل عدالت محوری و نفی جانبداری در سایه تشریک مساعی مخلصانه و با اهتمام ویژه به دارایی‌های عمومی و بیت المال، حکومت و جامعه را مدیریت و اقتصاد مقاومتی را اجرا می‌کنند.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، قرآن کریم، یوسف (ع)، سوره یوسف، تفاسیر فریقین.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن دانشگاه قم | golamhosein.arabi@gmail.com

۲. دانشیار گروه اقتصاد اسلامی دانشگاه قم | saeed.farahani.fard@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

یکی از راه‌حل‌های پیش روی امت اسلامی در رویارویی با بحران‌های اقتصادی - اجتماعی استفاده از راهبرد «اقتصاد مقاومتی» است. در سوره مبارکه یوسف اشاره‌های فراوانی وجود دارد که به اجرای صحیح اقتصاد مقاومتی کمک خواهند کرد.

خداوند متعال سوره یوسف را «احسن القصص» نامیده است. این سوره که در مکه نازل شده، شامل صد و یازده آیه است. تنها از ابن عباس نقل شده که سه آیه نخست و آیه هفتم این سوره در مدینه نازل شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۴۱۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۱۵)؛ ولی دقت در پیوند این آیات با آیات دیگر این سوره، نشان می‌دهد که نمی‌توان آنها را از بقیه تفکیک کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۲۹۱). در تفسیر این سوره میان مفسران بزرگ اهل سنت و شیعه اختلاف چشم‌گیری جز در چند آیه؛ از جمله آیه «وَهُمْ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»، وجود ندارد.

این مقاله سعی دارد تا با نگاه به این سوره و با استفاده از نکته‌های بیان‌شده در آن، در زمینه حکومت و کشورداری و مقابله با بحران‌ها و با استفاده از روایات و آیات دیگر سوره‌ها ذیل آیات این سوره و استفاده از نظر مفسران بزرگ فریقین به تحلیل شیوه عملیاتی حضرت یوسف (علیه السلام) در مقابله با بحران پردازد تا بتوان براساس آن برای گذر از مشکلات کشور به خصوص مشکلات اقتصادی راه حل‌هایی روزآمد یافت و با مطالعه سیره نورانی آن حضرت، بنیان‌های نظری راهبردی توحیدمحور را برای اجرای اقتصاد مقاومتی ترسیم کرد.

۲. بیان مسئله

هنگامی که اقتصاد یک جامعه در وضعیت سالم، عادلانه و رو به رشد به سر برسد، سلامت دیگر بخش‌های جامعه دست‌یافتنی‌تر خواهد بود. نقش قدرت اقتصادی در محافظت از دین و دنیای مردم نقشی حیاتی است. می‌توان گفت، لازمه اقتدار سیاسی مسلمانان، اقتدار اقتصادی است و بی‌شک خوداتکایی اقتصادی، رمز عزت و سربلندی امت اسلامی خواهد بود. بنابراین، به گونه‌ای از مدیریت اقتصادی نیازمندیم که بتواند اقتدار مسلمانان را پس از سال‌های بسیار به ایشان بازگرداند. ادعا بر این است که اقتصاد اسلامی مقاوم و انعطاف‌پذیر و

کنش گرای غیر منفعل مبتنی بر مبانی نورانی قرآن کریم و با بهره گیری از تمام ظرفیت ها و ابزارهای روزآمد با عنوان «اقتصاد مقاومتی» می تواند راه حل این مسئله باشد. از این رو، باید با مطالعه آموزه های اسلامی و در رأس آنها قرآن عزیز، نگاه دین درباره شیوه مدیریت اقتصادی و راهبرد اقتصاد مقاومتی را درک، و روش مدیریت اقتصاد را بر آن اصول آن منطبق کنیم. مطالعه سیره حضرت یوسف علیه السلام به عنوان فرمانروایی دین مدار که به مقابله با بحران خشکسالی و پیامدهای اقتصادی آن در دوران خود پرداخت، می تواند راه گشای عرصه مدیریت امروز باشد.

از سوره مبارکه یوسف استنباط می شود، مدیریت این پیامبر بزرگ علیه السلام استوار بر تعالیم خداوندی، بر مدار تقوا و اخلاص، مدبرانه، آینده نگرانه و به دور از حواشی بوده است. این شیوه مدیریتی، باعث شد تا هفت سال سخت و سهمگین خشکسالی با آرامش سپری شود و بحران پیچیده ای که می توانست هزاران هزار نفر را به کام مرگ بکشاند، با کمترین تلفات ممکن برطرف شود.

براین اساس، پرسش پژوهش پیش رو این است که: بنا بر این سیره حضرت یوسف علیه السلام و با استمداد از آیات دیگر قرآن و روایات ائمه اطهار علیهم السلام چه راهبردی را باید در مدیریت کشور پیش گرفت که از یک سو اقتصاد مقاومتی در بالاترین سطح ممکن اجرا و مشکلات اقتصادی و به تبع آن مشکلات اجتماعی کشور و امت اسلامی حل شود، و از سوی دیگر از محدوده قوانین اسلام تجاوز نشده و در این جریان، حضور حداکثری مردم به عنوان اصلی ترین ظرفیت و بازوی پیشبرد اهداف حکومت های الهی تضمین شود؟

۳. پیشینه اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی از نگاه علمی و تئوری، پیشینه چندانی در ایران و جهان ندارد و در سال های اخیر با تأکید رهبر انقلاب در میان اندیشمندان حوزه اقتصادی ایران به گفتمان روز تبدیل شده است. اصطلاح همانند اقتصاد مقاومتی در ادبیات اقتصادی جهان «تاب آوری اقتصادی» است که برخی از مؤلفه های آن قابل تطبیق بر مؤلفه های اقتصاد مقاومتی است؛ هر چند تعاریف و رویکرد آن تنها بخشی از اقتصاد مقاومتی را پوشش می دهد. اما فارغ از

عنوان، در مقام اجرا و عمل، «اقتصاد مقاومتی» می‌تواند بر بسیاری از شیوه‌های مدیریت اقتصادی در کشورها و ملت‌های مختلف در طول تاریخ منطبق شود.

در دوره اسلامی و در سیره پیامبر ﷺ و ائمه (علیهم‌السلام) نمونه‌هایی از این نوع اقتصاد به‌خصوص در دوره محاصره در شعب‌ابی طالب نمایان است (نک: یعقوبی ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۴۳۹؛ ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۷۵).

پیامبر اکرم در سال‌های پس از آن نیز رویکردی مقاومتی برای گذراندن جامعه نوپای اسلامی از موقعیت‌های بسیار سختی که دشمنان بر ایشان تحمیل می‌کردند، داشته‌اند (نک: حموی، ۱۹۹۵، ج ۱، ص ۴۴۶؛ سمهودی، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۱۳۰۷).

در دوران معاصر ایران و پس از شروع دوره استعمار نیز نمونه‌هایی؛ از جمله نهضت تحریم تنباکو (نک: رنجبر کرمانی و آذری شهرضایی، ص ۱۹۶-۲۰۷)، تأسیس شرکت اسلامی (نک: ترابی فارسانی، ۱۳۹۲، ص ۳۹-۵۰) و رویکرد دولت دکتر مصدق برای کاهش فشار محاصره اقتصادی پس از ملی شدن صنعت نفت (نک: سفری، ۱۳۷۱، ص ۱۰۵-۴۴۰؛ ازغندی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۴) قابلیت تطبیق بر اقتصاد مقاومتی را دارند. در عرصه پژوهش نیز می‌توان به مقاله‌های زیر اشاره کرد.

سیف در «الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران» سعی به نزدیک کردن و انطباق تعریف مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی و نظریه «فتریت اقتصادی» دارد. وی ریسک تخریب اقتصاد ملی و نیز سناریوهای رفتاری کشورها در این راستا را مورد بحث قرار داده و محورهای چهارگانه فتریت اقتصادی بیان نموده است (سیف، ۱۳۹۱).

تراب‌زاده جهرمی در مقاله «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، ابتدا به تدوین نقشه مهندسی اقتصاد مقاومتی پرداخته، و سپس تلاش کرده است با تحلیل سخنان رهبری و با بهره‌گیری از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، مدل مفهومی سخنان ایشان پیرامون ابعاد، ویژگی‌ها و الزامات اقتصاد مقاومتی را استخراج کند. (تراب‌زاده جهرمی، ۱۳۹۲).

سیفیلو در «اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی»، تلاش کرده تا مفهوم جنگ و دفاع اقتصادی را تشریح، و چارچوبی تحلیلی و نظری جهت عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی

را فراهم کند. در نهایت، به دنبال اثبات این فرضیه است که اقتصاد مقاومتی در یک پارادایم نظامی، در واقع راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی است (سیفلو، ۱۳۹۳ الف).

وی در «مفهوم‌شناسی اقتصاد مقاومتی» کوشیده است تا با بیان تقسیم‌بندی‌های رایج در علم اقتصاد، مفهوم «اقتصاد مقاومتی» را از طریق تعیین جایگاه آن در پارادایم علم اقتصاد با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان سخنان مقام معظم رهبری و تحلیل منطقی روشن‌تر نماید (سیفلو، ۱۳۹۳ ب).

این مقاله‌ها که براساس کاوش ما عمده‌ترین پژوهش‌های معتبر در زمینه اقتصاد مقاومتی هستند، به بررسی پیرامون اقتصاد مقاومتی و تحلیل ابعاد مختلف و مؤلفه‌ها و باید و نبایدهای اقتصاد مقاومتی از دیدگاه علم اقتصاد و علوم اسلامی پرداخته‌اند.

تا جایی که نگارنده پیگیری نموده، هیچ‌گونه نگارشی پیرامون اقتصاد مقاومتی در سیره پیامبران و ائمه علیهم‌السلام با مختصات یاد شده به صورت کتاب و یا مقاله در مجله‌های معتبر انجام نشده است. این پژوهش بر آن است تا به واکاوی شیوه مدیریت بحران حضرت یوسف علیه‌السلام در سوره یوسف و الگوسازی اقتصاد مقاومتی براساس رفتار ایشان بپردازد.

۴. تبیین اجمالی اقتصاد مقاومتی

عبارت «اقتصاد مقاومتی» از عبارت‌های نو پدیدی است که در ادبیات اقتصادی امروز جهان و حکومت‌داری قرن ۲۱ شکل گرفته و در بطن خود نوعی راهبرد مدیریت اقتصادی را مدنظر قرار می‌دهد که در جهان مثال نداشته و یا به شکل کامل اجرا نشده است. روشن ساختن و تعریف صحیح این مصطلح از ضروریات این پژوهش است.

۴-۱. اقتصاد مقاومتی در لغت و اصطلاح

واژه «اقتصاد» در لغت از ماده «قصد» به معنای تصمیم‌گیری و اراده به انجام کاری بوده و در معانی عدل و میانه‌روی، حد وسط میان اسراف و تقتیر، استقامت و پایداری در مسیر، نیز به کار رفته است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۲۶۹؛ جوهری، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۵۲۴-۵۲۵؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ص ۳۵۳). در فرهنگ فارسی نیز به صرفه‌جویی، میانه‌روی و اعتدال (انوری، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، ص ۵۰۴)، میانه‌روی در هر کاری و رعایت اعتدال در دخل و خرج

(معین، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۳۲۲) و میانه‌راه رفتن و میانه‌نگاه داشتن، تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۱۱۴).

معادل لاتین واژه «اقتصاد» در معنای رایج کنونی «Economy» بوده که آن را برگرفته از دو واژه یونانی کهن «Oikos» به معنای خانه و «Nemein» به معنای اداره کردن دانسته‌اند (فه‌یر، ۱۳۶۴، ص ۸).

آدام/سمیت در سال ۱۷۷۶، اقتصاد را که در آن روزگار اقتصاد سیاسی خوانده می‌شد، این‌گونه تعریف کرده است: «شاخه‌ای از دانش یک دولتمرد یا قانونگذار [با اهداف دوگانه فراهم کردن] درآمد سرشار و معاش خوب برای مردم... [و] تأمین کردن درآمد برای دولت برای هزینه کردن در خدمات عمومی» (Smith and Groenewegen, 1776, p.905).

آلفرد مارشال در کتاب *اصول علم اقتصاد* می‌نویسد: «اقتصاد، مطالعه انسان است در کسب و کار معمولی‌اش در زندگی. اقتصاد به کاوش در این می‌پردازد که چگونه انسان درآمدش را کسب و آن را مصرف می‌کند؛ بنابراین، از یک جنبه مطالعه ثروت است و از جنبه مهم دیگر، بخشی از مطالعه خود انسان است» (Marshall, 1920, pp. 1-2).

واژه «مقاومت» در لغت به ایستادگی، پافشاری، پایداری (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲۹، ص ۱۸۹۱؛ نک: انوری، ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۷۲۴۷) و دوام، استحکام (معین، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۷۹۳) معنا شده است.

از آنچه بیان شد، به دست می‌آید که «اقتصاد مقاومتی» در لغت به معنای «اقتصاد پایداری» یا «اقتصادی که بر ایستادگی و استحکام تأکید دارد»، است.

اصطلاح «اقتصاد مقاومتی» نخستین بار در سخنان رهبر انقلاب ظهور یافته است. ایشان در این باره بیان داشت: «اقتصاد مقاومتی؛ یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۵/۱۶).

صاحب‌نظران مختلف با تعبیر گوناگون، اقتصاد مقاومتی را از دیدگاه خود معرفی نموده‌اند که به صورت خلاصه تعریف‌های ایشان؛ «اقتصاد تحریم» (تراب‌زاده

جهرمی، ۱۳۹۲، ص ۴۴)، «ریاضت اقتصادی» (سیفلو، ۱۳۹۳، ب، ص ۱۶۲)، «مقاومت اقتصادی» (توکلی و ایزانلو، ۱۳۹۴، ص ۲۸)، «فتریت اقتصادی» (سیف، ۱۳۹۱، ص ۷) بوده است. تعاریف دیگری نیز در این باره وجود دارد که برخی از آنها در ادامه بیان می شود. «اقتصاد مقاومتی»، بنیانی نظری برای مدل سازی گونه ویژه ای از اقتصاد است که فعلا نه خود را برای رویارویی با تحریم ها بیش از پیش آماده کرده است (تراب زاده جهرمی، ۱۳۹۲، ص ۳۱-۴۶). حسین زاده بحرینی معتقد است: اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است که مدیریت آن، مدیریتی راهبردی و همه جانبه نگر است (حسین زاده بحرینی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۳-۱۴۴).

سیفلو عقیده دارد: «اقتصاد مقاومتی در یک پارادایم نظامی، در واقع راهبرد دفاع غیرعامل اقتصادی است» (سیفلو، ۱۳۹۳، الف، ص ۵۷). وی در مقاله ای دیگر اقتصاد مقاومتی را به عنوان یک راهبرد اقتصادی معرفی می کند که نخست، به معنای مقاومت اقتصادی، اقتصاد بسته و درون گرا و اقتصاد ریاضتی نیست. دوم، یک راهبرد مقطعی و کوتاه مدت نیست؛ بلکه راهبردی کلان و بلندمدت است؛ سوم، این راهبرد مقاومت سازی به معنای انفعالی نیز نیست (سیفلو، ۱۳۹۳، ب، ص ۱۶۲).

/اسدی «اقتصاد مقاومتی» را محصول اقتصاد اسلامی می داند. در دیدگاه وی اقتصاد اسلامی لزوماً مقاومتی هم هست: «اقتصاد مقاومتی، آن است که در شرایط بروز نامایمات، حوادث، بحران ها یا در مسیر اهداف، پویا و پایدار تخصیص بهینه مناسب بدهد» (اسدی، ۱۳۹۳، ص ۳۱). از ریاضت اقتصادی به عنوان یکی از معانی اقتصاد مقاومتی نام برد شده است. باید گفت، به هیچ عنوان اقتصاد مقاومتی به معنای ریاضت اقتصادی پذیرفته نیست، زیرا اصل اقتصاد مقاومتی برای در امان ماندن از ریاضت و فقر است، و اگر این گونه نبود با پایین آوردن حقوق و دستمزد و خدمات عمومی، «اقتصاد مقاومتی» تا حدود زیادی قابل اجرا بود. از سوی دیگر، تأکید اسلام و اقتصاد مقاومتی بر «قناعت»، نباید به معنای ریاضت ترجمه شود؛ زیرا میان قناعت و ریاضت فاصله بسیار است.

از مجموع بیانات رهبر انقلاب استفاده می شود که: اقتصاد مقاومتی: «اقتصادی علمی و بومی، برآمده از فرهنگ انقلابی، اسلامی و الگویی الهام بخش از نظام اقتصادی اسلام است که ضمن مقاوم سازی اقتصاد در برابر تهدیدهای نظام سلطه از توان تقویت اقتصاد و تحقق

پیشرفت جهشی اقتصادی نیز برخوردار است. این نوع اقتصاد، عدالت بنیان، مردم بنیاد، دانش بنیان، پیشرو، فرصت ساز، مولد، درون‌زا، برون‌گرا، انعطاف پذیر و با رویکرد جهادی است» (قویدل، ۱۳۹۶، ص ۱).

۲-۴. مبانی اقتصاد مقاومتی

برای مطالعه بهتر در زمینه اقتصاد مقاومتی، ناگزیر باید به شناسایی اصول و مبانی این مسئله پرداخت. از آنجا که اقتصاد مقاومتی در ایران در بستر اسلامیت آن تحقق می‌یابد، مبانی اقتصاد مقاومتی در ذیل مبانی اقتصاد اسلامی قرار می‌گیرد.

از مبانی اقتصاد اسلامی مقاومتی، تابع بودن آن نسبت به شرع مقدس و قرار داشتن در چارچوب دستورات دین اسلام است. علت این امر، «مخلوق» و «مربوب» بودن «انسان» و ناگزیری او به اتخاذ مسیری است که خداوند متعال به عنوان «خالق» و «رب» از طریق شریعت برای او در هر شأن و امری برمی‌گزیند. از آنجا که خالق فرمان داده که در هیچ مسئله فردی یا اجتماعی، راهی جز به‌سوی او را سیر نکنیم و غیر از او را نپرستیم، بر ما واجب است که اطاعت امر کنیم: «فرمان جز برای خدا نیست، دستور داده که جز او را نپرستید، این است دین درست» (یوسف: ۴۰).

از مبانی دیگر اقتصاد مقاومتی، عدالت اجتماعی و اقتصادی و ایجاد رفاه عمومی است (نک: صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۴۲۱). درواقع، اگر عدالت و رفاه از روند اجرای اقتصاد مقاومتی حذف شود، چیزی از آن باقی نخواهد ماند. اگر بنا باشد در اجتماع، اختلاف طبقاتی، استثمار، و فقیر و غنی وجود داشته باشد، دیگر نیازی به اقتصاد مقاومتی نیست. از اوامر خداوند برپایی عدالت در جامعه است: «در حقیقت خدا به داد‌گری ... فرمان می‌دهد» (نحل: ۹۰).

مبانی دیگر اقتصاد مقاومتی، نفی سلطه و گرایش به استقلال است (نک: هادوی تهرانی ۱۳۷۸، ص ۸۳). هرگونه رابطه و وابستگی در اقتصاد، ضمن آنکه موجب سلطه بیگانگان بر مسلمانان می‌شود، از نگاه اسلام و اقتصاد مقاومتی ممنوع است: «و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است». در راهکار حضرت یوسف علیه السلام برای گذر

از خشکسالی، نگرش استقلال محور مشاهده می شود. ایشان توصیه کرد که گندم بکارند و ذخیره کنند (یوسف: ۴۶ و ۴۷)؛ نه اینکه سرمایه جمع آوری کنند تا گندم و مایحتاج خود را خریداری نمایند.

از اصولی که می توان برای اقتصاد مقاومتی برشمرد، تکیه آن به بهره‌وری با استفاده از تلاش جهاد گونه است. هر مقاومتی نیازمند اتکا به کمترین امکانات و به دست آوردن بیشترین محصول است. محدودیت‌های ایجاد شده برای توسعه و دادوستد اقتصادی، کمتر کردن مصرف، افزایش تولید و حداکثر بهره‌وری را ناگزیر می کند. یوسف علیه السلام توصیه کرد، گندم را ذخیره و از حداقل ممکن آن استفاده نمایند: «آنچه را درو کردید، جز اندکی را که می خورید در خوشه‌اش واگذارید» (یوسف: ۴۷).

حضور مردم در صحنه و تأثیر مثبت ایشان بر روند حرکت اجتماع نیز از دیگر مبانی اقتصاد مقاومتی است. بدون خواست و حضور مردم، تغییری در احوال ایشان رخ نخواهد داد: «در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند» (رعد: ۱۱). بنا بر این قانون که یکی از پایه‌های جهان‌بینی اسلام است، مقدرات هر شخص، پیش از هر چیز در دست خود اوست و هر گونه تغییر و دگرگونی در خوشبختی و بدبختی اقوام، به خود آنها می گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۱۴۵؛ نک: سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۰۴۹). این مردم هستند که باید به رهبری فرستادگان خداوند، عدالت را در جامعه برپا کنند: «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). هدف انبیاء علیهم السلام رهبری مردم برای اجرای قسط و عدل بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۳۷۲؛ نک: قرائسی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۴۸۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۹، ص ۴۷۲).

۳-۴. هدف اقتصاد مقاومتی

در دین مبین اسلام، هدف از اقتصاد انباشت سرمایه نیست؛ بلکه اقتصاد در اسلام برای به دست آوردن سرمایه در جهت رسیدن به خیر دنیا و آخرت است. هیچ چیز نباید راه رسیدن به این هدف را مختل کند، زیرا هر چیز غیر از آن، زیان و خسارت است: «ای کسانی که ایمان آورده اید! [زنهار] اموال شما و فرزندانتان شما را از یاد خدا غافل نگردانید و هر کس چنین کند آنان خود زیان کارانند» (منافقون: ۹). بنابراین، هدف اقتصاد اسلامی، ساخت مدینه

فاضله در جهت کاستن از دغدغه‌های دنیوی انسان برای رسیدن به هدف خلقت است. اقتصاد مقاومتی نیز به عنوان یک راهبرد ذیل کلیت اقتصاد اسلامی، همین هدف را دنبال می‌کند. می‌توان گفت: هدف اصلی اقتصاد مقاومتی در ایران، اتخاذ راهبردی خاص در مدیریت اقتصاد است که براساس آن تأثیر فشارهای دشمنان و بدخواهان بر حرکت اقتصادی کشور به حداقل ممکن برسد؛ به گونه‌ای که بتوان با استفاده از این راهبرد به سلامت از مشکلات و بحران‌های ایجاد شده عبور کرد و به واسطه سرعت فوق‌العاده‌ای که در پیشرفت اقتصاد ایجاد می‌کند، بتوان عقب‌افتادگی‌های دهه‌ها و سده‌های گذشته را جبران نمود. درواقع، به‌طور خلاصه، هدف این نوع اقتصاد، کم یا بی‌اثر کردن فشارها و سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی برای رسیدن به عدالت اقتصادی-اجتماعی و میزان قابل قبول ثروت برای همه مردم است.

نظر به این اهداف، اقتصاد مقاومتی باید پویا، چابک، انعطاف‌پذیر، مستحکم، قدرتمند، مستقل و بی‌اعتنا به حواشی کم‌ارزش باشد. تلاش بی‌وقفه و جهادگونه نیز در این راستا ضروری است. حرکت جهادی مردم و مدیریت جهادی مسئولان که پایداری را سرلوح کار خود قرار می‌دهند و مسئولیت‌پذیری و بصیرت را به کار می‌گیرند، به‌شدت برای رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی موثر خواهد بود (نک: فراهانی فرد و غفاری، ۱۳۹۵، ص ۳۶-۹).

۵. اقتصاد مقاومتی در سوره یوسف

خداوند متعال در این سوره رویارویی حضرت یوسف (ع) را با مشکلات پیچیده و بحران‌های خانوادگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به تصویر می‌کشد. با نگاهی کوتاه به برخی از آیات این سوره، می‌توان نکته‌های قابل توجهی را درباره راهبرد آن حضرت در رویارویی با چالش‌های فراروی وی استخراج کرد که در زمینه اجرای اقتصاد مقاومتی در کشور یاری‌رسان خواهند بود.

۵-۱. اقتصاد مقاومتی نیازمند شایسته‌سالاری

حل مشکلات جامعه؛ از جمله مشکلات و فساد اقتصادی، به انسان‌هایی قدرتمند، رشید، توانا در جسم و روح و برخوردار از دانش و حکمت نیاز دارد؛ افرادی که پیچیدگی

بحران‌ها، ایشان را سردرگم و مأیوس نمی‌کند: «و چون به حد رشد رسید او را حکمت و دانش عطا کردیم» (یوسف: ۲۲) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۷۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۸۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۷).

خداوند متعال برای تربیت یوسف علیه السلام، او را در شرایط بسیار سختی قرار داد و در نهایت، در زندان به تکمیل فرایند تربیتی او پرداخت. دین‌داری، تقوا و خدامداری از صفاتی است که باید در کارگزاران حکومت وجود داشته باشد؛ زیرا قدرت و ظرفیت سوء استفاده در ایشان بیشتر است.

یوسف علیه السلام می‌فرماید: «و آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب را پیروی نموده‌ام. برای ما سزاوار نیست که چیزی را شریک خدا کنیم» (یوسف: ۳۸).

بنابر تفسیر مجمع‌البیان: «إِنِّي قَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ؛ یعنی کسی شایسته چنین مقام و مرتبه‌ای نمی‌شود، مگر مؤمنان خالص، و من چون طریقه مردمی را که ایمان ندارند ترک کرده‌ام، از این رو خداوند مرا به چنین مقامی مخصوص داشته» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۵۷).

پاک‌دستی و علم انجام مسئولیت‌های محوله، از شرایط لازم و شایستگی‌های مهم برای تصدی پست‌های مدیریتی است. حضرت یوسف علیه السلام خود را برخوردار از این شایستگی‌ها می‌شمارد: «من نگهبانی دانا هستم» (یوسف: ۵۵).

خداوند متعال نیز علت انتخاب طالوت را به پادشاهی بنی‌اسرائیل، شایستگی و قدرت جسمی و علمی او برمی‌شمرد: «پیامبرشان گفت: در حقیقت خدا او را بر شما برتری داده و او را در دانش و نیروی بدنی بر شما برتری بخشیده است» (بقره: ۲۴۷).

یوسف علیه السلام از کودکی و جوانی فردی شایسته و نیکوکار بوده است. بیشتر مفسران بر این باورند که علت لطف خداوند به یوسف علیه السلام در جوانی و عطای «حکم» (آتیناهُ حُكْمًا؛ یوسف: ۲۲) به وی، پاداش نیکوکاری‌های گذشته او بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۱۱۹؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۱۰۶)؛ گرچه میان مفسران در محتوای «حکم» اعطا شده به یوسف علیه السلام اختلاف نظر وجود دارد (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۴۳۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۱۱۷).

شایسته‌سالاری از مهم‌ترین نیازهای اقتصاد است و فقدان آن می‌تواند آسیب‌های بسیار جدی‌ای بر جامعه تحمیل کند. اگر در انتخاب افراد برای منصب‌های مختلف، تقوای الهی را در نظر بگیریم و مصلحت امت اسلامی را به منفعت حزب و باند ترجیح دهیم، کمر مشکلات و مشکل‌آفرینان شکسته خواهد شد. تلاش دشمنان همواره بر مسلط کردن نالایق‌ترین افراد بر شئون امت‌های اسلامی بوده است.

۵-۲. برنامه‌ریزی آینده‌نگرانه و اهتمام به مدیریت مصرف

بهره‌برداری به اندازه نیاز از منابع، همواره مورد تأکید عقلا، ادیان، اسلام، قرآن و روایات بوده و در تعلیمات دینی اسراف و تبذیر به شدت نکوهش شده است (اسرا: ۲۷). صرفه‌جویی در شرایط وفور نعمت است که نعمت را پایدار کرده و شرایط عبور را به‌هنگام سختی‌ها، هموار خواهد کرد. یوسف علیه السلام از مردم مصر خواست تا در هفت سال نخست که محصول مزارع فراوان است، از حداقل مورد نیاز گندم بهرمند شوند و از هدررفت آن جلوگیری کنند: «آنچه را درو کردید، جز اندکی را که می‌خورید در خوشه‌اش واگذارید» (یوسف: ۴۷).

از نگاه مفسران شیعه و سنی، آیه فوق به‌صراحت به مقوله صرفه‌جویی و برنامه‌ریزی دلالت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۱۹۲؛ سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۱۹۹۴). اگر با برنامه و نقشه حساب شده این هفت سال خشک و سخت را پشت سر بگذارید، دیگر خطری شما را تهدید نمی‌کند، زیرا بعد از آن سالی فرامی‌رسد پر باران که مردم از این موهبت آسمانی بهره‌مند می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۴۲۷). از نگاه مفسران بزرگ فریقین، از آنجا که مسرفان و مبذران کفران نعمت‌های الهی می‌کنند، مانند شیطان و از قبیل او هستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۳۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰، ص ۳۲۹). «ولخرجی و اسراف مکن، چرا که اسراف کاران برادران شیطان‌هایند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است» (اسراء: ۲۶ و ۲۷).

اقتصاد مقاومتی نیازمند صرفه جویی حداکثری برای ایجاد بهره‌وری در بالاترین حد ممکن است. بنابراین، برای رسیدن به اقتصادی با شاخص‌های اقتصاد مقاومتی، گنجادن برنامه دقیق و صرفه جویی در راهبرد مدیریت بی‌بدیل است.

۳-۵. نوع دوستی و تشریک مساعی مخلصانه

عزم عمومی، مشارکت جمعی و تشریک مساعی همه افراد و ارکان نظام، دستگاه‌ها و بخش‌های مختلف، لازمه تحقق اقتصاد مقاومتی است و پیشبرد اهداف الهی انسان‌ها و جوامع در سایه نوع دوستی، انس و الفت امکان‌پذیر است، همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید:

«و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید؛ آن‌گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید. پس میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادران هم شدید» (آل عمران: ۱۰۳).

نوع دوستی و مسئولیت‌پذیری بدون هیچ‌گونه چشم‌داشت و اخلاص در عمل، در بسیاری از مشکلات راهگشا خواهد بود. این مسئله همیشه در رفتار پیامبران و اولیای الهی نمود داشته است. خداوند پیامبر (ص) را حریص بر رساندن خیر به مؤمنان و دوستدار ایشان می‌خواند: «قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است» (توبه: ۱۲۸).

یوسف (ع) از روی نوع دوستی و وظیفه‌شناسی بدون هیچ چشم‌داشت و پیش‌شرطی خواب پادشاه را تعبیر کرد، در حالی که می‌توانست در ازای تعبیر خواب، آزادی از زندان و بیش از آن را شرط نماید (یوسف: ۴۶ و ۴۷). و این به نظر مفسران شیعه و سنی از اخلاص و مردم‌دوستی یوسف (ع) است (سیوطی، ۱۴۰۴ق. ج ۴، ص ۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۴۲۶): «ای یوسف! ای مرد راستگوی! ... به ما نظر ده تا به‌سوی مردم برگردم، شاید آنان [تعبیرش را] بدانند، گفت: هفت سال پی‌درپی می‌کارید ...» (یوسف: ۴۶ و ۴۷).

در راستای اقتصاد مقاومتی هر شخصی که توان مالی، ذهنی و فکری و یا جسمی یا هر توانایی دیگری که دارد، باید به‌عنوان «شکر نعمت»، خود را وارد عرصه کند. این تکلیف هم از جهت ادای دین و هم به‌دلیل محبت به مردم بر دوش هر انسانی قرار گرفته است. توانایی تعبیر خواب، توانایی خدادادی ویژه‌ای بود که خداوند متعال برای استفاده در چنین روزهایی

به یوسف علیه السلام عطا کرده بود، و هر گونه خساست در استفاده از آن به هر دلیل، کفران نعمت و ضایع کردن آن هدیه خداوندی بود.

۴-۵. حساسیت و آزمایش هنگام انتخاب نیروی انسانی

انتصاب افراد در پست‌های مختلف به ویژه در پست‌های مدیریتی نباید بدون گزینش و اطلاع از حال ایشان باشد. تحقیق پادشاه درباره گذشتۀ یوسف علیه السلام به اصرار خود او، نشان‌دهنده این موضوع است: «[پادشاه] گفت وقتی از یوسف کام [می]خواستید چه منظور داشتید؟ زنان گفتند: منزّه است خدا، ما گناهی بر او نمی‌دانیم» (یوسف: ۵۱).

مفسران این آیه را شهادت به مبرا بودن یوسف علیه السلام از هر گناه و پاک‌بودن او از هر عیب می‌دانند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۴۶۷؛ نک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۱۹۶). سخن گفتن و مصاحبه بدون واسطه، از بهترین راه‌های اطلاع از احوال افراد است. مصاحبه مستقیم پادشاه با یوسف علیه السلام پس از رویارویی و اشاره قرآن به آن، بیانگر این موضوع مهم است: «پس چون با او سخن راند، گفت: تو امروز نزد ما با منزلت و امین هستی» (یوسف: ۵۴). از بیان و اشاره‌های تفاسیر فریقین به دست می‌آید: باید از احوال و توانایی‌های افراد اطمینان یافت و یا ظن قوی به توانایی ایشان برای پیشبرد هدف نهاد یا دستگاهی که از آنها بهره می‌برد، به دست آورد (نک: طبرسی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۲، ص ۲۳۹؛ سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۰۵).

در تفسیر المیزان آمده است: «که تو از امروز، که من به مکارم اخلاق و اجتناب از زشتی و فحشا و خیانت و ظلم، و صبرت بر هر مکروه پی بردم، و فهمیدم یگانه مردی هستی که به خاطر حفظ طهارت و پاکی نفس‌ات حاضر شدی خوار و ذلیل شوی، و مردی هستی که خداوند به تأییدات غیبی خود اختصاص‌ات داده، و علم به تاویل احادیث و رأی صائب و حزم و حکمت و عقل را به تو ارزانی داشته، دارای مقام و منزلت هستی، و ما تو را امین خود می‌دانیم» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۲۷۳؛ نک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۴۷۱).

در راهبرد مدیریت الهی به خصوص در زمینه مهم اقتصاد، اطلاع از احوال کارگزاران پیش از تصدی بسیار مهم است. باید از تمام راه‌های ممکن و تا حد امکان، از حال و

توانایی‌های افراد اطلاع پیدا کرد و سپس، ایشان را به کار گمارد. از بهترین راه‌های شناخت و تحقیق نسبت به افراد، گفت‌وگوی مستقیم با آنهاست.

۵-۵. اعلام آمادگی افراد توانمند

هر گاه مردم و جامعه به توانایی شخصی نیاز دارد، لازم است آن شخص به پاس و شکر نعمت خداوند بر آن توانایی، خود برای برعهده گرفتن مسئولیت‌ها پیش قدم شوند؛ زیرا انزوایی در این هنگام، کفران نعمت است. ایشان نسبت به مستهلک شدن اموال مردم و بیچارگی ایشان در صورت عدم استفاده از توانایی‌هایی که خداوند به آنها عطا کرده پاسخ‌گو خواهند بود.

حضرت یوسف علیه السلام خود از پادشاه خواست تا او را بر امور مربوط به خزاین بگمارد و البته به او اطمینان داد که در این کار هم توانایی علمی و هم پاک‌دستی خواهد داشت و می‌تواند آنها را حفظ نماید؛ البته، داوطلبان پذیرش مسئولیت‌ها باید قابلیت‌ها و توانایی‌ها و برنامه‌های خویش را اظهار کنند تا دیگران نسبت به آنها آشنایی بیشتری پیدا کنند، ذکر قابلیت‌ها و توانایی‌ها در این موقعیت تفاخر و خودبرتربینی نیست: «[یوسف] گفت: مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار که من نگهبانی دانا هستم» (یوسف: ۵۵).

در تفاسیر آمده است: انسان برای خدمت و خیرسانی به مردم می‌تواند از خود تعریف و صلاحیت و شایستگی علمی و مهارت حرفه‌ای خود را به جامعه معرفی کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۱۲؛ بحرانی ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۷۳؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۳، ص ۵).

تصدی ریاست یا مسئولیت، در فرهنگ الهی برای ریاست‌طلبی و کسب قدرت فردی نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای خدمت به مردم و ادای تکلیف در قبال خداوند است؛ چراکه عدم حضور به موقع در صحنه و انزوایی بی موقع سبب نابودی و تباهی اموال عمومی و اختلال در رفع حوائج مردم می‌شود. از این رو، مؤمنان نباید از مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی پرهیز کنند؛ بلکه باید در صورتی که توانایی انجام وظیفه‌ای را دارند، وارد عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شوند و حتی در صورتی که لازم باشد، خود پیشنهاد پذیرش مسئولیت را به مراجع ذیصلاح اعلام کنند. حضرت یوسف علیه السلام برای نجات مردم از بحران خشکسالی و فشار اقتصادی که جامعه مصر را تهدید می‌کرد، برای پذیرش مسئولیت در حکومت کافران

اقدام کرد و حتی خود برخلاف عرف رجال سیاسی که در مواقع خطر از بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند، خود پیشنهاد قبول مسئولیت را دارد، چرا که اجرای اقتصاد مقاومتی نیازمند به ایثار و تلاش‌های افراد مؤمن است.

۵-۶. حسن شهرت و سلامت رفتاری

کارگزاران حکومت نباید در میان مردم متهم به فساد باشند. این مسئله باعث متهم شدن و تضعیف حکومت و ایجاد خلل در مسیر رسیدن به اهدافش خواهد بود. یوسف علیه السلام شرط آزادی خود را از زندان نمایان شدن حقیقت و اثبات بی‌گناهی خود قرار داد و نپذیرفت تا به عفو پادشاه از زندان آزاد شود. هنگامی که فرستاده پادشاه آمد، یوسف علیه السلام گفت: «نزد آقای خویش برگرد و از او پرس که حال آن زنانی که دست‌های خود را بریدند، چگونه است؟» (یوسف: ۵۰).

در تفسیر مفاتیح‌الغیب آمده است: این کار یوسف علیه السلام عاقلانه بود، زیرا گمان ناخوشایند پادشاه را نسبت به خود از بین برد و عقل و صبوری خود و شدت پاکی خود را؛ حتی از اندکی ناپاکی ثابت کرد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۴۶۶ و ۴۶۷؛ نک: رشیدرضا، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۳۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۶۷).

امیرمؤمنان علیه السلام در این زمینه فرمود: «نیک‌نامی و سابقه خوب، نگه‌دارنده قدرت است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۴۳).

از آنجا که اتهام‌های مالی و اقتصادی موثرترند، برای پیشبرد اقتصاد مقاومتی باید در این زمینه بسیار احتیاط کرد و با شفاف‌سازی، آن را از بین برد. در شیوه حکومت حاکمان الهی، پاکی و صداقت و خیرخواهی والیان و کارمندان، اصل بسیار مهم و حیاتی است؛ چه اینکه شهرت به پاکی نیز بسیار اهمیت دارد. این امر سبب شتاب گرفتن سرعت پیشرفت در زمینه‌های مختلف خواهد بود، زیرا مردم در چنین نظام‌هایی حکومت را از خود و برای خود می‌دانند و برای حل مشکلات آن از هر کوششی دریغ نمی‌کنند.

۵-۷. انجام وظیفه بدون جانب‌داری و کینه‌توزی

امانت‌داری و عدالت‌محوری از ویژگی‌های برجسته مدیران در ساختار نظام مبتنی بر

تعلیمات الهی به شمار می آید. حضرت یوسف علیه السلام در هنگام پیشنهاد پذیرش وزارت مالی و صدارت بیت المال، بر شرط پاسداری و تعهد تأکید کرد.

مدیران باید بدون توجه به حب و بغض ها و دوستی ها و کینه های شخصی و گروهی، وظایف خود را به درستی و با صداقت انجام دهند. چنان که حضرت یوسف علیه السلام با وجود دشمنی های برادرانش، ایشان را از حقوقشان محروم نساخت: «مگر نمی بینید که من پیمان را تمام می دهم و من بهترین میزبانانم» (یوسف: ۵۹).

در تفاسیر به این نکته اشاره شده است که: یوسف علیه السلام، نه به خاطر دشمنی برادران، از حق ایشان چیزی کاست، و به دلیل نسبت فامیلی، به حق ایشان چیزی افزود (طبرسی ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۷۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۶۹). در واقع «یوسف علیه السلام سهم برادران را کامل داد و درباره ظلمی که به او کرده بودند، سخن نگفت» (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۲۳۹).

یوسف علیه السلام خانواده خود را از رانت خانوادگی بهره مند نکرد و مانند بقیه مردم به ایشان به ازای هر نفر یک بار شتر گندم فروخت. چنان که برادران می دانستند تنها با همراه بردن برادر دیگر خود یک بار شتر بیشتر دریافت خواهند کرد؛ «برادرمان را نگهبانی می کنیم و [با بردن او] یک بار شتر می افزایشیم». (یوسف: ۶۵).

۸-۵. اهتمام به حفظ بیت المال

از صفات مؤمن آن است که در امانت خیانت نمی کند: «و آنانی که امانات و عهد خویش را مراعات می کنند» (مؤمنون، ۸؛ معارج: ۳۲). به بیان فخر رازی، هر چیزی که دیگری بر آن امین قرار داده شود، امانت نامیده می شود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۲۶۲). حفظ بیت المال که به همگان متعلق است، بسیار اهمیت دارد؛ زیرا هر گونه غفلت در تخصیص صحیح آن، سبب شکاف اقتصادی مردم و نابرابری در جامعه و ایجاد رانت خواهد شد.

هر چه افراد با ایمان تر باشند، امانت دارترند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۱۱). قرآن از زبان پادشاه به امانت داری یوسف علیه السلام نزد مصریان گواهی داده است (یوسف: ۵۴) (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۱۶۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۴). حضرت یوسف علیه السلام از جام مقدس پادشاه به عنوان پیمان استفاده تقسیم گندم استفاده می نمود. بهره گیری چندباره از واژه های «کیل» (یوسف: ۶۰) و «صواع» (یوسف: ۷۲) در این سوره، نشان دهنده این امر است.

آن حضرت با اندازه‌گیری دقیق و استیفای کامل حق افراد، هرگونه کم‌وزیاد شدن در اموال عمومی را به شدت زیر نظر داشتند: «أَوْفَى الْكَيْلَ» (یوسف: ۵۹، طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۲۰۹؛ سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۰۱۵).

امیر مؤمنان علی علیه السلام به کارگزاران خود نوشت تا هزینه‌های جاری امور را کاهش دهند: «قلم‌های خود را نازک کنید و سطرها را نزدیک به هم بگیرید و زیادی کلمات را حذف کنید و مقاصد و منظورها را در نظر بگیرید! بر حذر می‌دارم شما را از پرحرفی و پرنویسی؛ زیرا اموال مسلمانان نمی‌تواند این‌گونه خسارت‌ها را تحمل کند» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۱۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۰۴).

فردی نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و از حضرت خواست که پولی از بیت‌المال به او بدهد. حضرت به او فرمود: «این بیت‌المال نه برای من و نه برای توست. بیت‌المال مربوط به همه مسلمانان است» (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۲۳۲، ص ۳۵۳).

باتوجه به تفاسیر ذیل این آیات از سوره یوسف و روایات بیان شده، هرچه دقت در هزینه و جلوگیری از هدررفتن منابع عمومی بیشتر باشد، بهره‌وری و سرعت توسعه افزایش می‌یابد و منابع به پروژه‌های مهم و زیرساختی بیشتر تخصیص می‌یابد که این مسئله سبب انتفاع عمومی خواهد شد؛ زیرساخت‌های بیشتر و به‌روزتر، باعث تسهیل پیشرفت اقتصادی می‌شود و رسیدن به الگوی اقتصاد مقاومتی را دست‌یافتنی‌تر خواهد کرد.

۶. دستاوردهای پژوهش

در یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، باتوجه به آیات قرآن و به‌خصوص آیات سوره مبارکه یوسف و سیره نورانی حضرت یوسف علیه السلام، از مباحث مطرح شده در این مقاله مطالب ذیل به‌دست می‌آید:

۱. گرچه اقتصاد مقاومتی اصطلاح نو پدیداری است، ولی از لحاظ عملی در دنیا سابقه داشته و نمونه‌های آن در عملکرد معصومان علیهم السلام دیده می‌شود. همچنین در تاریخ ایران؛ از جمله در جریان تحریم تنباکو و ملی شدن صنعت نفت نیز قابل مشاهده است.

۲. اقتصاد مقاومتی، اقتصادی علمی و بومی، برآمده از فرهنگ انقلابی است که مبانی آن دستورات اسلام، استقلال، عدالت، بهره‌وری حداکثری، تلاش جهادی و دشمن‌ستیزی، و هدف آن، کاهش اثر فشارها و توسعه اقتصاد کشور است.
۳. با برداشت از تفاسیر، شایسته‌سالاری از ارکان نظام توحیدی است. حل مشکلات اقتصادی، به انسان‌هایی قدرتمند، رشید، توانا در جسم و روح و برخوردار از دانش و حکمت نیاز دارد؛ افرادی که پیچیدگی بحران‌ها، ایشان را سردرگم و مأیوس نمی‌کند.
۴. از نگاه مفسران، آیاتی از سوره یوسف به صراحت به مقوله صرفه‌جویی و برنامه‌ریزی دلالت دارد. اقتصاد مقاومتی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و صرفه‌جویی حداکثری برای ایجاد بهره‌وری در بالاترین حد ممکن است.
۵. عزم عمومی، مشارکت جمعی و تشریک مساعی همه افراد و ارکان نظام، دستگاه‌ها و بخش‌های مختلف، لازمه تحقق اقتصاد مقاومتی است و پیشبرد اهداف الهی انسان‌ها و جوامع در سایه نوع‌دوستی، انس و الفت امکان‌پذیر است.
۶. اطلاع از احوال کارگزاران پیش از تصدی بسیار مهم است. از بهترین راه‌های شناخت و تحقیق نسبت به افراد، گفت‌وگوی مستقیم با آنهاست.
۷. وظیفه هر انسان توانمندی است که در صورت داشتن شرایط و نیاز جامعه، داوطلب پذیرش مسئولیت شود. انزوایی بدموقع و بیجا باعث خسارت مردم شده و افراد باید نسبت به اهمال خود در برابر حضرت حق پاسخگو باشند.
۸. حاکمان نباید برای تصدی مسئولیت و مدیریت حساس از افراد بدنام و متهم در جامعه استفاده کنند، زیرا این مسئله سبب متهم‌شدن و تضعیف حکومت می‌شود. صداقت و شهرت به پاکی مدیران باعث شتاب گرفتن سرعت پیشرفت نظام می‌شود، زیرا مردم برای حل مشکلات چنین حکومتی از هیچ کوششی دریغ نخواهند کرد.
۹. امانت‌داری و عدالت‌محوری از ویژگی‌های برجسته مدیران در یک نظام الهی به‌شمار می‌رود. کارگزاران و کارمندان باید بدون جانب‌داری و کینه‌توزی، وظایف خود را به‌درستی انجام دهند.

۱۰. حفظ اموال عمومی، اهمیت بسیاری در اسلام دارد. هرگونه غفلت در تخصیص صحیح منابع، سبب ایجاد شکاف اقتصادی میان اقشار مردم و نابرابری در جامعه، و ایجاد رانت و فساد و دور شدن از اقتصاد مقاومتی خواهد بود.

۱۱. این مقاله از تفسیر سورة يوسف بر اساس دیدگاه مفسران فریقین برای اجرای اقتصاد مقاومتی، موارد ذیل را لازم می‌داند:

شایسته‌سالاری و گزینش صحیح مسئولان و کارگزاران و توجه به وجهه پاک ایشان در جامعه، برنامه‌ریزی و بهره‌وری حداکثری، مشارکت عمومی بر اساس نوع دوستی، مسئولیت‌پذیری و امانت‌داری افراد و توجه ویژه به اموال عمومی.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۲. شریف رضی، محمد بن حسین؛ **نهج البلاغه**؛ محقق صالح صبحی؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله؛ **شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید**؛ چاپ اول، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی؛ **الخصال**؛ چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ **لسان العرب**؛ چاپ سوم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۶. ابن هشام، عبداللحم؛ **زندگانی محمد پیامبر اسلام**؛ چاپ پنجم، مترجم: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۵.
۷. ازغندی، علیرضا؛ **روابط خارجی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷**؛ چاپ اول، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴.
۸. انوری، حسن؛ **فروتنک بزرگ سخن**؛ چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۸۲.
۹. آلوسی، محمود بن عبدالله؛ **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی**؛ چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان؛ **البرهان فی تفسیر القرآن**؛ چاپ اول، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۵ق.
۱۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ **أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)**؛ چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ **تصنیف غرر الحکم و درر الکلم**؛ چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ **الصاحح؛ تاج اللغة و صحاح العربیه صحاح اللغة**؛ چاپ سوم، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۴ق.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن؛ **تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه**؛ چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ق.
۱۵. حموی، یاقوت؛ **معجم البلدان**؛ چاپ دوم، بیروت: دارصادر، ۱۹۹۵.
۱۶. دهخدا، علی اکبر؛ **لغت نامه دهخدا**؛ چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۱۷. رشیدرضا، محمد؛ **تفسیر المنار**؛ چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۴ق.
۱۸. زمخشری، محمود بن عمر؛ **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل**؛ چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۹. سفری، محمدعلی؛ **قلم و سیاست**؛ چاپ اول، تهران: نشر نامک، ۱۳۷۱.
۲۰. سمهودی، علی بن عبدالله؛ **وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی**؛ محقق: محمد محی الدین عبدالحمید، چاپ دوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۷۱.
۲۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر؛ **الدرالمشور فی التفسیر بالمأثور**؛ چاپ اول، قم: کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۲۲. صدر، سیدمحمدباقر؛ **اقتصادنا**؛ چاپ اول، قم: المؤتمر العالمی للامام الشهدید الصدر، ۱۴۲۴ق.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین؛ **ترجمه تفسیر المیزان**؛ چاپ پنجم، دفتر قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.
۲۴. _____؛ **المیزان فی تفسیر القرآن؛ مؤسسه الأعلمی للمطبوعات**؛ چاپ دوم، بیروت: ۱۳۹۰ق.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن؛ **ترجمه تفسیر مجمع البیان**؛ چاپ اول، تهران: فراهانی، ۱۴۰۰ق.
۲۶. _____؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۷. طبری، محمد بن جریر؛ **جامع البیان فی تفسیر القرآن**؛ چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.

۲۸. فخر رازی، محمد بن عمر؛ *التفسیر الکبیر*؛ چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۲۹. فیر، لوئیس؛ *خود آموز اقتصاد*؛ ترجمه فیروزه خلعت‌بری؛ تهران: شب‌آویز، ۱۳۶۴.
۳۰. قرائتی، محسن؛ *تفسیر نور*؛ چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.
۳۱. قطب، سید؛ *فی ظلال القرآن*؛ چاپ سی و پنجم، بیروت: دار الشروق، ۱۴۲۵ق.
۳۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار ائمه الاطهار*؛ چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۳۳. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*؛ چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*؛ چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۳۵. معین، محمد؛ *فرهنگ معین*؛ چاپ هشتم، تهران: خانه سپهر، ۱۳۷۱.
۳۶. _____؛ *فرهنگ معین*؛ چاپ چهارم، تهران: آدنا، ۱۳۸۱.
۳۷. هادی تهرانی، مهدی؛ *مکتب و نظام اقتصادی اسلام*؛ چاپ اول، قم: خانه خرد، ۱۳۷۸.
۳۸. یعقوبی، احمد بن اسحاق؛ *تاریخ یعقوبی*؛ تحقیق مهنا، چاپ اول، بیروت: عبدالامیر، الاعلمی، ۱۴۱۳ق.
۳۹. اسدی، علی؛ «*نظام اقتصاد اسلامی الگوی کامل برای اقتصاد مقاومتی*»؛ سیاست‌های راهبردی و کلان، ش ۵.
۴۰. تراب‌زاده جهرمی، محمدصادق و همکاران؛ «*بررسی ابعاد و مؤلفه های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای*»؛ مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۱۲.
۴۱. ترابی فارس‌ساز، سهیلا؛ «*برآمدن سرمایه داری نوین ایرانی: بررسی موردی شرکت اسلامی*»؛ تاریخ اسلام و ایران، سال بیستم و سوم، ش ۲۰، ۱۳۹۲.
۴۲. توکلی، محمد جواد و ایزانلو، امید؛ «*اقتصاد مقاومتی به عنوان یک اندیشه اسلامی*»؛ پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، ش ۱، ۱۳۹۴.
۴۳. حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین؛ «*اقتصاد مقاومتی راهکاری برای توسعه*»؛ مشکوه، ش ۱۱۸، ۱۳۹۲.
۴۴. رنجبر کرمانی، علی اکبر، آذری شهرضایی، رضا؛ *تنباکو- نهضت، در دایره المعارف بزرگ اسلامی*؛ چاپ اول، ج ۱۶، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۴۵. سیف، اله‌مراد؛ «*الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران (مبانی بر دیدگاه مقام معظم رهبری)*»؛ آفاق امنیت، ش ۱۶، ۱۳۹۱.
۴۶. سیف‌لو، سجاد؛ «*اقتصاد مقاومتی راهبرد دفاع غیر عامل اقتصادی*»؛ سیاست دفاعی، ش ۹۷، ۱۳۹۳الف.
۴۷. _____؛ «*مفهوم شناسی اقتصاد مقاومتی*»؛ معرفت اقتصادی، ش ۱۰، ۱۳۹۳ب.
۴۸. فراهانی فرد، سعید؛ غفاری، مجتبی؛ «*تبیین رویکرد جهادی در اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب*»؛ پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، ش ۲، ۱۳۹۵.
۴۹. قویدل، الهه؛ فراهانی فرد، سعید؛ لشگری، علیرضا؛ «*نقش صکوک مزارعه و مساقات در اقتصاد مقاومتی*»؛ دهمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد و مدیریت، ۱۳۹۶.
50. Smith, Adam and Groenewegen, Peter, *An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations* [29th ed.]. Milan: metalibri, 2007.
51. Marshall, Alfred. *Principles of Political Economy*, [8th ed.]. London: Macmillan, 1920.
۵۲. بیانات مقام معظم رهبری به نقل از KHAMENEI.IR
53. LEADER.IR

References

- *The Noble Qur'an*. Translated by Fouladvand.
- Alusi, Mahmud bin Abd ol-Lah (1415 A.H). *Rooh ol-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azim vas-Sab' al-Masani*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiah.
- Anvari, Hasan (1382 S.H). *Farhang Bozorg Sokhan (Great Dictionary of Sokhan)*. 1st Ed., Tehran: Sokhan.
- Asadi, Ali (N.D). Nezam Iqtisad Islami Olguii Kamel baraye Iqtisad Moqavemati (Islamic Economic System as a Perfect Role Model for Resistive Economy). *Journal of Practical and Macro Politics*, Issue 5.
- Azghandi, Alireza (1384 S.H). *Ravabet Khareji Iran 1320-1357 (Foreign Relations of Iran 1320-1357)*. 1st Ed., Tehran: Qumes.
- Beizavi, Abd ol-Lah ibn Umar (1418 A.H). *Anwar at-Tanzil va Asrar at-Ta'wil (Tafsir al-Beizawi)*. Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Bohrani, Hashim bin Sulayman (1415 A.H). *Al-Borhan fi Tafsir al-Qur'an*. 1st Ed., Qom: Bi'that Foundation.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1377 S.H). *Loghat Nameh Dehkhoda (Dehkhoda Dictionary)*. Tehran: University of Tehran.
- Fakhr Razi, Muhammad bin Umar (1420 A.H). *At-Tafsir al-Kabir*. 3rd Ed., Beirut: Dar Ehya' at-Turtah al-Arabi.
- Fier, Louis (1364 S.H). *Khod Amuz Iqtisad (Economics)*. Translated by Firuzeh Khal'atbari, Tehran: Shab Aviz.
- Hadavi Tehrani, Mahdi (1378 S.H). *Maktab va Nezam Iqtisadi Islam (Economic School and System of Islam)*. 1st Ed., Qom: Khaneh Kherad.
- Hamawi, Yaqut (1995). *Mo'jam al-Boldan*. 2nd Ed., Beirut: Dar Sader.
- Horr Ameli, Muhammad bin Hasan (N.D). *Tafsil Vasa'el ash-Shi'ah ela Tahsil Masa'el ash-Shari'ah*. 1st Ed., Qom: Al al-Bayt Institute.
- Hoseinzadeh Bahreini, Muhammad Husein (1392 S.H). Iqtisad Moqavemati Rahkari baraye Towse'eh (Resistive economy as a Strategy for Development). *Mashkuh*, Issue 118.
- Ibn Abi al-Hadid, Abd ol-Hamid bin Habbah Allah (N.D). *Sharh Nahj ol-Balaghah le-ibn Abi al-Hadid*. 1st Ed., Qom: Mar'ash Najafi Library.
- Ibn Babawayh, Muhammad ibn Ali (N.D). *Al-Khisal*. 1st Ed., Qom: Teachers' Association.
- Ibn Hisham, Abd ol-Malek (1375 S.H). *Zendegani Muhammad Payambar Islam (Biography of Prophet Muhammad)*. Translated by Seyed Hashem Rasul Mahallati, 5th Ed., Tehran: Ketabchi.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Mukram (N.D). *Lisan ol-Arab*, 3rd Ed., Beirut: Dar ol-Fekr.
- Johari, Isma'il ibn Himad (1404 A.H). *As-Sahhah (Taj ol-Loghah va Sahhah ol-Arabiah Sahhah ol-Loghah)*. 3rd Ed., Beirut: Dar ol-Elm lel-Mollaiin.
- Majlesi, Muhammad Baqer bin Muhammad Taqi (N.D). *Bahar al-Anwar led-doror Akhbar al-A'emmah al-Athar*. 2nd Ed., Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Makarim Shirazi, Naser (1374 S.H). *Tafsir Nemoone*, 10th Ed., Tehran: Dar al-Kotob al-Islamia.
- Mo'in, Muhammad (1371 S.H). *Farhang Mo'iin (Mo'iin Dictionary)*. 8th Ed., Tehran: Khaneh Sepehr.
- Mo'in, Muhammad (1381 S.H). *Farhang Mo'iin (Mo'iin Dictionary)*. 4th Ed., Tehran: Adena.
- Mostafawi, Hassan (1360 S.H). *At-Tahqiq fi Kalamat al-Qur'an al-Karim*. 1st Ed., Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Qira'ati, Mohsen (1388 S.H). *Tafsir Noor*. 1st Ed., Tehran: Cultural Center for Lessons from the Qur'an.
- Rashid Reza, Muhammad (1414 A.H). *Tafsir al-Menar*. 1st Ed., Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Sadr, Seyed Muhammad Baqer (1424 A.H). *Eqtesadona*. 1st Ed., Qom: Al-Mu'tamer al-Alami le-Imam Ash-Shahid as-Sadr.
- Safari, Muhammad Ali (1371 S.H). *Qalam va Siyasat (Pen and Policy)*. 1st Ed., Tehran: Namak.
- Samhudi, Ali ibn Abd ol-Lah (1971). *Vafa' ol-Vafa' be-Akhbar Dar ol-Mustafa*. Researched by Muhammad Mohy ed-Din Abd ol-Hamid, 2nd Ed., Beirut: Dar Ehya' at-Turath al-Arabi.
- Seyed ibn Qotb, Ibrahim Shazeli (1425 A.H). *Fi Zilal al-Qur'an*. 35th Ed., Beirut: Dar ash-Shoruq.
- Sharif Razi, Muhammad bin Hussain (1414 A.H). *Nahj ol-Balaghah*. Researched by Saleh Sobhi, 1st Ed., Qom: Hijrat.
- Suyuti, Abd or-Rahman bin Abi Bakr (1404 A.H). *Dur al-Manthur fi at-Tafsir bel-Ma'thur*. 1st Ed., Qom: Mar'ashi Najafi Library.

- Tabari, Muhammad bin Jarir (1392 S.H). *Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. 1st Ed., Beirut: Dar ol-Ma'rifah.
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan (1389 S.H). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. 3rd Ed., Tehran: Naser Khosrow.
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan (1400 A.H). *Translation of Tafsir Majma' al-Bayan*. 1st Ed., Tehran: Farahani.
- Tabatabaai, Mohammad Hussein (1374 S.H). *Translation of Tafsir al-Mizan*. 5th Ed., Qom: Intesharat Islami.
- Tabatabaai, Mohammad Hussein (1390 S.H). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. 2nd Ed., Beirut: Scientific Institute for Journalism.
- Tamimi Amadi, Abd ol-Vahed bin Muhammad (1366 S.H). *Tasnif Ghorar ol-Hekam va Dorar ol-Kalam*. 1st Ed., Qom: Dafatr Tablighat Islami.
- Tawakkoli, Mohammad Javad & Izanloo, Omid (1394 S.H). Iqtisad Moqavemati be Onwan-e Yek Andisheh Islami (Resistive economy as an Islamic Thought). *Journal of Resistive Economy*, Issue 1.
- Torab Zadeh Jahromi, Mohammad Sadeq et.al. (N.D). An Investigation of Aspects and Criteria of Resistive Economy in Islamic Republic of Iran from the Views of Ayatollah Khameneii. *Journal of Studies on Islamic Revolution*, Issue 12.
- Torabi Farsani, Soheyla (1392 S.H). Baramadan Sarmayedari Nowin Irani: Barresi Mowredi Sherkat Islamia (Iranian Modern Capitalism: A Case Study of Islamiah Corporation). *Journal of the History of Islam and Iran*. Vol. 23, Issue 20.
- Ya'qubi, Ahmad bin Ishaq (1413 A.H). *Tarikh-e Ya'qubi (The History of Ya'qubi)*. Researched by Mohanna, 1st Ed., Beirut: Abd ol-Amir-al-A'lami.
- Zamakhshari, Mahmud bin Umar (1407 A.H). *Al-Kashshaf an Haqa'iq Ghavamiz at-Tanzil va Uyun al-Aqawil fi Vojuh at-Ta'wil*. 3rd Ed., Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.

